

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته اندیشه سیاسی در اسلام

موضوع:

**رشد رادیکالیسم سیاسی مذهبی فرقه ای در پاکستان**

**و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عباس سلطانلو

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر

پژوهشگر:

سید حامد موسوی

سال تحصیلی:

زمستان ۸۹

تقدیم:

به همسرم که با مهربانی و صبوری خود؛ در طول زندگی همواره یار و پشتیبان من بوده است.

همچنین بر خود لازم می دانم که مراتب قدردانی و تشکر خود را تقدیم استادان عالی مرتبه و گرانقدر «جناب آقای دکتر عباس سلطانلو» و «جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر» بنمایم که همواره از تعالیم سازنده این دو بزرگوار بهره مند شده ام و در این راه از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ ننموده اند .

از استاد محترم « جناب آقای دکتر بیژن نیری» که داوری این پژوهش را پذیرفتند نیز کمال تشکر را دارم .

به امید ایرانی پیروز، سربلند و باعزت

## تعه‌دنامه اصالت پایان نامه کارشنای ارشد

اینجان‌ب سید حامد موسوی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۱۴۲۴۰۰ در رشته علوم سیاسی که در تاریخ ۸۹/۱۱/۴ از پایان نامه خود تحت عنوان رشد رادیکالیسم سیاسی مذهبی فرقه ای در پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۸۹/۱۱/۴

سید حامد موسوی دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام از پایان نامه خود دفاع نموده و بانمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
<b>فصل اول: کلیات پژوهش</b>	
۷.....	۱ - ۱ طرح مسئله.....
۸.....	۱- ۲ پیشینه و ادبیات پژوهش.....
۱۶.....	۱ - ۳ انگیزه و اهداف پژوهش.....
۱۷.....	۱ - ۴ متغیرهای مستقل و وابسته.....
۱۸.....	۱ - ۵ سؤال اصلی.....
۱۸.....	۱ - ۶ سؤال فرعی.....
۱۸.....	۱ - ۷ فرضیه اصلی.....
۱۹.....	۱ - ۸ مفاهیم پژوهش.....
۳۱.....	۱ - ۹ روش پژوهش.....
۳۱.....	۱ - ۱۰ روش گردآوری اطلاعات.....
۳۲.....	۱ - ۱۱ ساماندهی پژوهش.....

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و تاریخچه شکل گیری و رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در هند و افغانستان

- ۱-۲ مبانی نظری پژوهش..... ۳۴
- ۲ - ۲ تاریخچه شکل گیری و رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در هند..... ۴۵
- بزرگان فکری جنبش های مسلمانان در هند..... ۴۶
- بررسی رشد مکاتب وهابیت و دیوبندی در هند..... ۵۲
- سازمان تبلیغی جماعت هند..... ۶۰
- ۲ - ۳ بررسی تاریخی و شکل گیری و رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در افغانستان..... ۶۱
- بررسی نقش پاکستان در ظهور طالبان در افغانستان..... ۶۸

فصل سوم: پاکستان و رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی

- ۱ - ۳ نمایه پاکستان..... ۸۰
- ۲ - ۳ بررسی تاریخی شکل گیری و رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در پاکستان..... ۱۱۸
- ۳-۳ تاثیر مکتب وهابیت در رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در پاکستان..... ۱۲۹
- ۴-۳ جغرافیای افراط در پاکستان..... ۱۳۴
- ۵ - ۳ گروه های فرقه ای، جهادی و تروریستی پاکستان..... ۱۳۷
- ۶ - ۳ علل حمایت های دولت و علمای مذهبی کشور پاکستان از گروه های افراطی این کشور..... ۱۷۵

## فصل چهارم : امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی

### در پاکستان

- ۴- ۱ بررسی اقدامات تاثیرگذار گروه های افراطی سیاسی و فرقه ای مذهبی پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۸۸
- ۴-۲ بررسی موانع تامین امنیت مناطق شرقی ایران و الزامات امنیتی در راستای مقابله و مهار اقدامات گروه های افراطی سیاسی و فرقه ای مذهبی پاکستان..... ۲۱۲
- ۴- ۳ نتیجه گیری..... ۲۲۸



## مقدمه

امروزه با اتخاذ سیاست هایی از سوی دشمنان همبستگی امت اسلامی، وحدت کشورهای جهان اسلام علیرغم داشتن اشتراکات مذهبی و فرهنگی عمیق و دارا بودن پتانسیل های عظیم اقتصادی و سیاسی در نظام بین الملل، محقق نگردیده است. از مهم ترین این سیاست ها، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی میان اقوام و فرق اسلامی و به تبع آن رویارویی اهل تسنن و شیعیان در کشورهای مختلف اسلامی است که به طور جدی برنامه ریزی و به اجراء در می آید. در روند اجرای این پروسه، فرقه های مذهبی به عنوان مجریان این سیاست شناخته و به کار گرفته می شوند. چرا که اساسا ظهور اولیه و رشد تفکرات رادیکال و افراطی در بستر فرقه های تندروی مذهبی شکل می گیرد. این فرقه ها ضمن ارائه چهره ای خشن و غیر انسانی از جامعه متمدن اسلامی به جهانیان، به عاملی مهم در تفرقه افکنی و از هم گسستگی وحدت مسلمانان نیز مبدل گردیده اند. از آنجائی که مهمترین هدف فرقه های مذهبی، بسط و گسترش تفکرات افراطی خود به بیرون از مرزهای جغرافیای محل فعالیت است، لاجرم کشورهای ثالث همواره جهت تامین امنیت و ثبات سیاسی خود از گزند آسیب های احتمالی، تلاش مضاعفی را به کار می گیرند. البته وجود مذاهب مختلف دینی، احساسات ناسیونالیسمی قومی و مشکلات اقتصادی در هر کشوری می تواند زمینه ای مناسب جهت پذیرش تفکرات افراطی از سایر کشورها را فراهم نموده و بحران های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد. به عنوان نمونه امروزه جریانات فرقه ای مذهبی پاکستان که معلول عواملی همچون شرایط خاص سیاسی و مذهبی این کشور و نقش کشورهای همچون آمریکا و عربستان هستند در محیط پیرامونی ایران رشد قابل توجه و پر معنایی یافته اند. بر این اساس در استان های مرزی به ویژه در سیستان و بلوچستان رگه هایی دال بر گسترش تنش های قومی فرقه ای متأثر از دخالت عوامل خارجی مشاهده می شود. علت رشد این جریانات که دارای رویکردهای جدائی

طلبانه و ضد امنیتی و در قالب سازمان های فرقه ای و تروریستی هستند ، تضعیف امنیت پایدار این مناطق است . متأسفانه اختلافات مذهبی استان های شرقی ایران توسط این گروه ها به منازعات فرقه ای افراطی با تکیه بر اعتقادات دینی مبدل و به مهمترین عامل تهدید این مناطق تبدیل شده است. در این منازعات، رهبران گروه های فرقه ای مذهبی، دستورها و رهنمودهای خود را نشأت گرفته از یک پشتوانه ایدئولوژیک معرفی نموده و توجیه مناسبی برای طرفدارانشان در مشروعیت بخشی به حرکت های افراطی ارائه می نمایند . نبود عزم سیاسی قاطع و اتخاذ پارادوکس امنیتی از سوی دولتمردان پاکستان در قبال مهار جریانات افراطی فرقه ای مذهبی و برخورداری تروریست ها از حاشیه امن جهت فعالیت های ضد انسانی و ضد امنیتی موضوع دیگری است که مقابله با جریانات رادیکال سیاسی و فرقه ای مذهبی پاکستان را تا حدود زیادی با مشکل مواجه ساخته و روابط دو کشور ایران و پاکستان را تحت تاثیر قرار خواهد داد. متأسفانه پاکستان علیرغم تعهدات دو جانبه در خصوص تعقیب و دستگیری عناصر افراطی که بانیان حوادث تلخ تروریستی در ایران هستند اقدام عملی قابل توجهی صورت نداده و در مواردی به حمایت از آنها پرداخته است. مهم ترین علت حمایت پاکستان از گروه های فرقه ای مذهبی این است که اسلام آباد همواره یکی از راه های موازنه با جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تضمین عمق استراتژیک خود در افغانستان را بر اساس حیات جریانات افراطی فرقه ای مذهبی تعریف نموده است. پاکستان بر این اساس می کوشد از این جریانات در روابط با ایران به عنوان برگ برنده استفاده نماید . نمونه بارز این حمایت ها کمک های مادی و معنوی در تاسیس مدارس دینی متعددی است که متون تعلیمی آنان اغلب با محتوای شیعه ستیزی و در قالب تفکرات وهابی- دیوبندی است. این گروه های مذهبی در سایه پشتیبانی دولت پاکستان، سرکوب و ترور شیعیان را در داخل این کشور و تشکیل گروه های افراطی جهت انجام عملیات های تروریستی در استان های شرقی ایران را بر عهده گرفته اند. جنایات ضد انسانی گروه های اشاره شده که غالباً انتحاری است با حمایت های گسترده سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و پاکستان

اغلب توسط طلابی از مدارس دینی صورت می‌گیرد که بر اعتقادات تکفیری تکیه کرده و از وابستگیان مکاتب فرقه دیوبندی پاکستان هستند. در شرایط کنونی پیروی محض افراط‌گرایان فرقه ای مذهبی پاکستان از آموزه های مکاتب وهابی و دیوبندی و تلاش در جهت نفوذ تفکرات این مکاتب به داخل ایران یکی از مهم ترین چالش های امنیتی و فرهنگی - مذهبی است که تهدیدی جدی جهت ضربه زدن به امنیت ملی کشورمان محسوب می‌شود. البته عدم پایبندی پاکستان به قوانین مربوط به حفظ و تامین امنیت مرزها و جلوگیری از تردد عناصر افراطی در مرزهای دو کشور، رشد چشمگیر قاچاق انسان و اسلحه، بافت قبیله ای قومی و پایبندی به تفکرات افراطی مذهبی و عدم توجه به تکمیل زیر ساخت های اقتصادی و برنامه ریزی و تمهیدات لازم جهت شناسائی و رفع مشکلات مهم حوزه های اجتماعی و فرهنگی شرق کشور، از عوامل مهم دیگری هستند که هر کدام می‌توانند زمینه ساز حضور جریانات فرقه ای مذهبی پاکستان در راستای بی‌ثباتی و نا امنی مرزهای شرقی ایران باشند.

همانگونه که در قبل هم اشاره شد عوامل دیگری نیز در رشد جریانات افراطی در مرزهای شرقی ایران فعال هستند که مهمترین آنها مربوط است به حمایت های مالی شاهزادگان سعودی در ترویج افکار مکاتب سلفی و وهابیت با استفاده از عناصر وابسته خود در پاکستان. این جریان که در راستای مبارزه با تفکر شیعی در منطقه و خصوصا ایران حرکت می‌کند سهم عمده ای از شکل گیری جریان افراط در شرق ایران را به خود اختصاص داده است. در موقعیت کنونی، حاکمان وهابی عربستان که حیات خود را در ترویج و تبلیغ فرقه وهابیت می‌بینند از صحنه گردانان اصلی رشد افراطی گرایی در منطقه هستند. تبلیغ و ترویج مکتب وهابیت که از ابتدا با هدف ایجاد تفرقه میان اهل سنت و شیعه بوجود آمد، به صورت جدی از سوی عربستان دنبال شده و مهمترین برنامه و اصولی ترین اصل سیاست آل سعود به شمار می‌آید. اگرچه حمایت از جریانات افراطی همچون القاعده از سوی

عربستان پس از واقعه یازده سپتامبر و اعلام اتهام این کشور به دست داشتن در این حادثه از سوی کاخ سفید رو به کاهش گذاشت و عربستان خود را در کنار آمریکا در جنگ با تروریسم معرفی نمود اما این کشور کماکان در جهت رشد افراطی گری در منطقه، برنامه های خود را به صورت مداوم و نامحسوس دنبال می نماید.

امروزه عربستان با اتخاذ سیاست های تفرقه آمیز در سطح منطقه بر طبل اختلافات قومی و مذهبی با محوریت تکفیرشیعیان می کوبد و منافع خود را در ترویج تفکرات تفرقه افکنانه و رودروئی اهل سنت و شیعه در ایران تعریف می کند. نشر اخبار و تصاویر فجایع انسانی ناشی از عملیات های گروهک تروریستی ریگی در ایران از شبکه العربیه وابسته به این کشور، نمونه ای بارز از عزم شاهزادگان ریاض در تبلیغ ناکارآمدی ایران و بزرگ نمایی مشکلات قومیتی و مذهبی و تضعیف اتحاد اهل سنت و شیعه ایران است. مدارس دینی پاکستان همواره از حمایت های مالی گسترده عربستان برخوردار بوده و هستند. به عبارتی طراحی و اجرای جنگ نرم علیه ایران از سوی پاکستان، بر پایه ایدئولوژی طالبانی وهابی توسط عربستان پی ریزی و دنبال می شود. بنابر این می توان به جرات اظهار نمود که هدف اصلی عربستان در حمایت های معنوی و مالی از جریان های افراطی و فرقه ای مذهبی در پاکستان که به ترویج افکار وهابیت و سلفی گری در داخل ایران می پردازند، تضعیف جایگاه منطقه ای و بین المللی و آسیب رساندن در سطح ملی به حوزه امنیتی کشورمان تعریف می شود.

اما ضلع سوم مثلث حمایت از جریان های فرقه ای مذهبی در پاکستان، ایالات متحده آمریکاست. در سال های اخیر ایالات متحده آمریکا جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران وارد (استراتژی بر اندازی نرم) و پی گیری سیاست (فشار از بیرون، تغییر از درون) شده است. در این راستا، تمرکز کاخ سفید پس از تحریم های اقتصادی بر گسترش تنش های فرقه ای مذهبی متمرکز شده تا ظرفیت های ایران

به جای تمرکز برحل و فصل چالش های برون سیستمی، بر مهار بحران درون سیستمی متمرکز شود. در شرایط کنونی آمریکا با وارد کردن اتهام هایی، همچون تلاش ایران برای تقویت ژئوپلیتیک شیعه و حمایت از شیعیان عراق، لبنان، بحرین، یمن و عربستان، تلاش می کند تا کشورهای سنی منطقه را به اقدام متقابل از طریق تحریک گروه های قومی استان های مرزی و تبلیغ فرقه هایی ؛ همچون وهابیت، ترغیب نماید و از طرفی با گسترش فضای بی اعتمادی، از هرگونه امنیت سازی بومی پایدار منطقه ای جلوگیری کند. همچنین آمریکا با جنگ روانی و بهره برداری از فنون عملیات نامتقارن، به گسترش فضای بی اعتمادی دامن زده و با مهندسی منازعات داخلی و ادعای حمایت از حقوق اقلیت ها، تلاش می کند تا زمینه های امتیازگیری از جمهوری اسلامی ایران را در حوزه های خارجی و امنیتی فراهم کند. در راستای همین اهداف ، ایالات متحده آمریکا یک سیاست خصمانه چند بعدی را برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی منطقه به صورت ویژه دنبال و مورد توجه قرار داده که حمایت از جریانات افراطی با عقاید فرقه ای و پوشش مذهبی در پاکستان یکی از مهم ترین این سیاست هاست که کماکان ادامه دارد.

به هر صورت مبانی فکری اغلب تحرکات و ناامنی ها ناشی از اقدامات گروه های فرقه ای و مذهبی در محیط امنیتی ایران را می توان بر اساس رشد تفکرات تکفیری و سلفی گری در چارچوب اندیشه های مکاتب ضاله وهابیت و پیوند آن با تفکرات مکتب دیوبندی ارزیابی نموده و این چنین نتیجه گرفت که امروزه تضعیف امنیت ملی ایران ، پروسه ای امنیتی سیاسی است که با کمک مالی عربستان و امریکا ، توسط گروه های افراطی فرقه ای مذهبی مورد حمایت پاکستان صورت می پذیرد و کماکان به حیات ننگین خود ادامه می دهد.

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱ طرح مساله

مهم ترین طرح تهدید همبستگی اقوام و مذاهب مختلف در جمهوری اسلامی ایران، حمایت از رشد افکار رادیکال فرقه های مذهبی و سیاسی در محیط امنیتی کشورمان توسط مخالفان نظام است که در راستای تضعیف امنیت ملی ایران برنامه ریزی و اجراء می شود. برپایه این طرح، ناسیونالیسم قومی و تفکرات فرقه ای مذهبی با پشتوانه های سیاسی رشد نموده و در نتیجه پتانسیل تهدیدهای درون سیستمی و تمایلات واگرایانه خصوصا در مناطق سنی نشین شرق ایران تقویت می گردد. با توجه به زمینه های لازم و حمایت احزاب و گروه های سیاسی همچون جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلام در زمینه رشد و تبلیغ تفکرات رادیکال سیاسی و فرقه ای مذهبی در پاکستان، جریان های افراطی و تروریستی در استان های شرقی ایران گسترش روز افزونی یافته اند. این جریان ها همچنین مقابله و جلوگیری از نفوذ تفکرات شیعی ایران را با گسترش مدارس دینی دیوبندی - وهابی و ترویج افکار سلفی گری در مجموعه اهل سنت شرق ایران دنبال می نمایند. چنانچه امروزه پرورش و رشد جریانات تندروی فرقه ای مذهبی در پاکستان همچون سپاه صحابه، لشکرجهنگوی و گروه های تروریستی؛ مانند گروهک ریگی در این مدارس شکل گرفته و مسئولین این مدارس عربستان را بعنوان تامین کننده منابع مالی خود پذیرفته اند. طلاب این مدارس توانسته اند با حمایت سرویس های اطلاعاتی آمریکا و پاکستان و تشکیل گروه های فرقه ای افراطی با شعار تکفیر شیعیان به عملیات های تروریستی ضدد انسانی متعددی دست زده و موجبات نا امنی در شرق کشورمان را فراهم نمایند. دیگر اقدام طلاب دینی وابسته به جریانات فرقه ای مذهبی پاکستان، تلاش در جهت نفوذ و گسترش تفکرات دیوبندی و وهابیت به داخل کشور و بویژه در مدارس دینی اهل سنت می باشد که با توجه به تحصیل اکثر مسئولان مدارس دینی اهل سنت شرق کشور در پاکستان این روند

دارای سیر صعودی خواهد بود. به پشتوانه این اقدامات، تحركات گروه های فرقه ای - مذهبی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به حدی گسترش یافته که به یک متغیر تأثیرگذار برون سیستمی در ترتیبات سیاسی - امنیتی ملی، فرا ملی و منطقه ای تبدیل شده است و در صورت عدم تبیین پاداستراتژی مناسب، می تواند ضریب امنیت ملی را کاهش دهد. پرسش اساسی و محوری پژوهش عبارت از این است که :

رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در پاکستان چه تاثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ این پرسش با سوال های دیگری آمیخته می شود و مجموع آن مساله پژوهش را شکل می دهد. سئوالاتی از قبیل :

علت رشد رشد رادیکالیسم سیاسی و فرقه ای مذهبی در پاکستان چیست؟ چگونه افکار فرقه هایی چون دیوبندی و وهابیت در محیط امنیتی ایران رشد می کنند؟ برنامه حمایتی دولت پاکستان از این گروهها به چه دلیل و چگونه ادامه می یابد؟ ارتباط امنیت ملی ایران با بسط مکاتب وهابیت و دیوبندی در کشور چگونه ارزیابی می شود؟ و ده ها پرسش دیگر که پاسخ گوئی به آن، پژوهش حاضر را ایجاب می نمود.

## ۱-۲ پیشینه و ادبیات پژوهش :

تحقیق در مورد کشور پاکستان به لحاظ کمبود منابع و کتب موجود، مشکلاتی را جهت تهیه این پژوهش داشته و تالیفاتی که در این زمینه منتشر شده غالباً نگاهی اجمالی به تاریخ شکل گیری و استقلال، روابط خارجی، معرفی احزاب و گروه های تندروی مذهبی در این کشور داشته و یا اینکه به یک موضوع خاص و قابل توجه که غالباً در بر گیرنده مبانی نظری جنبش های اسلامی در این کشور است پرداخته اند.



یکی از مهم ترین تالیفاتی که در آن به صورت موسع به بررسی مبانی نظری و تاریخی جنبش های اسلامی در پاکستان پرداخته شده است ، کتاب جنبش اسلامی پاکستان (بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی) به قلم محمداکرم عارفی است که از طرف انتشارات بوستان کتاب قم در ۴ فصل و ۲۴۰ صفحه به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب به نحوی دقیق به ذکر جزئیات و نقد و بررسی جنبش های اسلامی در پاکستان می پردازد. در مقدمه این کتاب ، نویسنده با طرح موضوع خود ، مفاهیم اصلی و کلیدی این پژوهش را به نحوی ساده و شیوا به شرح ذیل بیان کرده است :

با تسلط استعمارگران اروپایی بر کشور های اسلامی دو نوع واکنش در این جوامع علیه استعمارگران به وجود آمد :

#### ۱- واکنش ملی گرایان ۲- واکنش دین گرایان .

واکنش ملی گرایان توسط روشنفکران تحصیل کرده و در مدارس و مراکز آموزشی و تحت تأثیر تفکر ملی گرایی غرب قرار داشت . اما واکنش به صورت دین گرایان ریشه در تمدن و فرهنگ بومی جوامع اسلامی که مایه های اصلی آن آموزه های دینی بود . این واکنش به صورت سازمان یافته به وسیله سید جمال الدین معروف به افغانی (۱۸۳۸-۱۸۹۷) آغاز گردید که پس از او در مصر و شبه قاره هند جرقه های فکری او به بارنشست و به جریان های فکری و اجتماعی - سیاسی فعالی تبدیل شد . نویسنده کتاب جنبش اسلامی پاکستان معتقد است اصلاح طلبان دینی در شبه قاره هند ، در یک مرحله از روند مبارزات دینی \_ اصلاحی خود به موفقیت بزرگی دست یافتند که اخراج استعمارگران و تأسیس دولت های جدید در نواحی مسلمان نشین شبه قاره هند بود ( پاکستان و بنگلادش ) . اما در مرحله دیگری که هدف مبارزه برای ایجاد اصلاحات دینی و ملی همه جانبه در نظام سیاسی و اجتماعی و تأسیس دولت های اصیل اسلامی باشد کاملاً ناموفق بودند . در این پژوهش علل ناکامی جنبش اسلامی در پاکستان ریشه یابی شده و به این سوال که با توجه به پیشینه طولانی فعالیت جنبش اسلامی در پاکستان و باز بودن فضای سیاسی در این کشور، چرا این جنبش در ایجاد نظام

اسلامی موفق نبوده است پرداخته شده است. نویسنده در این کتاب متذکر می شود که با رهیافت صرفاً سیاسی به این سوال پاسخ خواهد داد. نویسنده سه مفهوم اصلی در پژوهش خود یعنی جنبش اسلامی، نظام اسلامی و ساختار فرقه ای را نیز چنین بیان می کند:

جنبش اسلامی عبارت است از کوشش جمعی اسلام گرایان برای تحقق عملی قوانین و احکام اسلامی در تمامی زمینه ها از طریق در اختیار گرفتن قدرت سیاسی.

نظام اسلامی، حکومتی که در آن اداره امور کشور و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلامی است.

ساختار فرقه ای مجموعه ای از نیروهای مرتبط به هم هستند که دارای تعصب شدید نسبت به گروه مذهبی خاص خود بوده و گروه متعلق به خود را از سایر گروهها کاملاً جدا و مستقل تصور کنند.

نویسنده در فصل اول با عنوان چار چوب های نظری در مطالعه ناکامی جنبش اسلامی به بررسی نظریه های مختلف در این زمینه به شرح زیر پرداخته است:

۱- نظریه فقدان عصیبت ( ابن خلدون ): وی معتقد است ناکامی و فروپاشی دولت ها معلول ضعف عنصر عصیبت در میان گروه هاست. به عقیده او عصیبت برترین نیروی قدرت آفرین در جوامع کوچک انسانی به شمار می رود یعنی نقش اصلی در تحولات سیاسی دارد. اما عواملی همچون دین و رفتار پسندیده اخلاقی که موجب تقویت و تکمیل عنصر عصیبت می شود و یا عواملی همچون تجمل گرایی، انتقاد و حقارت، سلطه اقتصادی و سیر نزولی طبیعی عصیبت عوامل تضعیف کننده هستند که در واقع عوامل ناکامی و شکست گروه ها به شمار می آیند

۲- نظریه محیط - ساختاری ( دکتر یوسف قرضاوی ) که دو عوامل عمده اساسی یعنی عامل محیطی و عامل ساختاری را جزء عوامل ناکامی جنبش اسلامی در کشورهای اسلامی می داند

عوامل محیطی مواردی همچون فشارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که نظام های سکولار بر جامعه اسلامی اعمال می کنند، نظام های سرکوبگر داخلی ( که هرگز نمی خواهند نیرویی در جامعه شکل بگیرد که مخالف تداوم سلطه آنان باشد ) نظام بین المللی نیز این وضعیت فرهنگی و سیاسی داخلی را تقویت می کند عواملی ساختاری شامل مواردی همچون جمود : ( که در رویارویی با تحولات جدید فاقد قدرت برخورد فعالانه است )

فقدان روح علمی : ( یعنی توجه به سنت گرایی و استبداد فکری و عدم توجه به حق مداری ، تخصص گرایی - دل زدگی درون سازمانی و تجدید نظر طلبی )

واگرایی درونی : ( نا همگونی درونی جنبش در آرا و افکار گوناگون که جنبش به دلیل ضعف در انعطاف پذیری قادر به جذب و خنثی سازی اختلافات فکری نخواهد بود . )

ضعف برنامه ریزی : ( جنبش اسلامی معاصر فاقد برنامه ریزی به ویژه برنامه ریزی طولانی مدت است )

۳- نظریه تطور نسلیها ( مودودی ) : مؤدودی بنیان گذار مهم جنبش اسلامی در شبه قاره هند است که افکار اصلاحی اش فراتر از شبه قاره در کشورهای عربی خلیج فارس و افغانستان نیز تأثیر گذار بوده است . او معتقد است پس از سپری شدن نسل اول ، نسل دوم جنبش از لحاظ تعهد با طنی و انضباط عملی در سطح نسل اول نیستند.

۴- نظریه گرایش به الگوی استعمار ( دکتر کلیم صدیقی ). این نظریه گرایش به الگوی استعماری را علت اساسی ناکامی جنبش در نفوذ دانش استعماری ناسیونالیسم در درون جنبش می داند . وی معتقد است این گرایش جنبش اسلامی به دانش سیاسی دوره استعمار تحت عنوان ناسیونالیسم و دموکراسی بر جهان تحمیل شده است . نظام های مبتنی بر فلسفه ناسیونالیسم دموکراسی ، سوسیالیسم و کاپیتالیسم جزئی از کلیت کفر است. نویسنده در این فصل با ارائه نظریه های مربوط

به نا کامی یک جنبش اسلامی و بحث و بررسی در مورد آنها خواسته است عوامل نا کامی جنبش اسلامی در پاکستان را به طرزی بهتر و دقیق تر بیان کرده باشد.

نویسنده در فصل دوم به بحث اسلام و نهضت های اصلاح طلبانه در شبه قاره هند پرداخته است . در این فصل اشاره شده که تحول تاریخی اسلام در شبه قاره هند سه مرحله عمده را پشت سر گذاشته است :

۱- ورود اسلام به شبه قاره

۲- اعتلای سیاسی اسلام در شبه قاره

۳- انحطاط سیاسی اسلام در شبه قاره

همچنین نویسنده معتقد است که در نفوذ آیین اسلام در هند و استقبال هندوان از آن چند عامل مهم زیر مؤثر بوده است :

اول : اندیشه عدالت خواهی اسلام . دوم : بردباری هندوها در برابر عقاید مخالف . سوم : بافت اجتماعی هند.

نویسنده در ادامه اشاره نموده که به تدریج سلطه سیاسی و اقتصادی بریتانیا برهند به معنای زوال اقتدار سیاسی و حقوقی مسلمانان بر این کشور بود. همچنین وی عواملی که موجب برتری مطلق انگلیسی ها شد را برتری اقتصادی ، برتری تسلیحاتی ، نظم و انضباط داخلی ( وحدت فرماندهی ) اعمال نفوذ در میان امرای محلی و ایجاد اختلاف در صفوف مخالفان می داند. در ادامه این مباحث، نویسنده هدف نهضت های اصلاحی در هند را به اسلام اولیه و بازسازی آن از درون و بیرون اعلام و به شرح زیر معرفی می نماید:

۱- نهضت شاه ولی الله دهلوی : که نهضتی فکری ، علمی اجتماعی و سیاسی بود . او معتقد بود که مردم باید اعتقادات بزرگان پیشین را برگزینند و از آنان پیروی کنند و از پرداختن به مسائلی که علمای سلف بی اساس دانسته اند اجتناب ورزند .